

فرهنگ‌یختگان

سازوکار سرمایه‌گذاری مردم برای تولید

خانواده و کسب‌وکار

هاشم سوداگر **استاد و پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع)**

رهبر انقلاب در سخنرانی نوروزی ۱۴۰۴ می‌توانستند مطابق ادبیات رایج اقتصادی کارآفرینان، تولیدکنندگان، اهالی بازار سرمایه، شبکه بانکی و دیگر بازیگران حرفه‌ای اقتصاد را مخاطب قرار دهند، ولی ایشان «مردم» را مورد خطاب قرار دادند و خواستند هرکس به نوبه خود به «سرمایه‌گذاری برای تولید» مبادرت ورزد. اکنون در شرایطی که بخش قابل توجهی از مردم در تأمین هر هزینه‌های جاری زندگی چالش دارند، سؤال این استست که کدام نظام تولید، بهتر می‌تواند امکان سرمایه‌گذاری عموم مردم برای تولید را فراهم کند؟

رهبر معظم انقلاب در سخنرانی نوروزی یکم فروردین ۱۴۰۴، بیانی روشن داشتند که درکنار سایر بیانات گذشته ایشان می‌تواند تبیین‌کننده الگوی مهم برای اقتصاد ما باشد؛ الگویی از اقتصاد که نه دولتی است و نه سرمایه‌سالار. ایشان در این سخنرانی علاوه بر دولت، «مردم» را مخاطب قرار دادند و خواستند هرکس به نوبه خود به «سرمایه‌گذاری برای تولید» مبادرت ورزد. بیابید قدری در واژه «مردم» تأمل کنیم. واژه «مردم» معمولاً در گفتارها و مباحث اجتماعی به کار می‌رود، نه گفتارهای اقتصادی. در اقتصاد و مدیریت، از لگانی همچون کارآفرین، سرمایه‌گذار، سهامدار و ذی‌نفع به‌گوش آشناترند. رهبر انقلاب می‌توانستند فعالان اقتصادی، تولیدکنندگان، شبکه بانکی، اهالی بازار س‌مایه و دیگر بازیگران حرفه‌ای عرصه اقتصاد را مخاطب قرار دهند، اما ایشان «مردم» را مدنظر قرار دادند. به نظر می‌رسد مخاطب قرار دادن «مردم» و هدایتشان به سمت «سرمایه‌گذاری برای تولید»، نشان‌دهنده «نگاه به اقتصاد از منظری اجتماعی» باشد. در این نگاه اجتماعی به اقتصاد، «نهادهای اجتماعی بازیگران عرصه تولید» میهند. حال که قرار است بازیگران عرصه تولید را «مردم» بدانیم، پس نهادهای اجتماعی آنان نیز چون قوم، طایفه، هم‌زبان، هم‌استان، هم‌شهری، هم‌محلی- و پایه‌ای از همه اینها «خانواده»- میهند. از آنجا که مهم‌ترین نهاد و واحد اجتماعی جامعه ما «خانواده» است، در تعیین نقش برای «مردم» در سرمایه‌گذاری برای تولید»، خوب است نگاهی به جایگاه «خانواده» داشته باشیم. براین اساس می‌توانیم «سرمایه‌گذاری مردم برای تولید» را «سرمایه‌گذاری خانواده‌ها برای تولید، ببینیم و پندیشیم که آیا این زاویه نگاه اجتماعی می‌تواند دلالتی خاص برای اقتصاد ما داشته باشد.

کسب‌وکار خانوادگی

از زاویه نگاه مدیریت و اقتصاد، هنگام تعیین مختصات یک کسب‌وکار باید تکلیف برخی ابعاد آن ازجمله مالک‌زمین و سرمایه و ابزار کار، نسبت مالک و مدیر، نسبت نیروی کار با مالک و مدیر و اندازه کسب‌وکار روشن شوند. در یک کسب‌وکار خانوادگی، مالکیت منابع،یعنی سرمایه و ماشین‌آلات مربوط به خانواده و معمولاً متعلق به سرپرست خانواده است. مدیریت آن نیز نوع کسب‌وکارها بر عهده کسی از اعضای خانواده و معمولاً سرپرست خانواده است، پس در این کسب‌وکارها وحدت مالکیت و مدیریت وجود دارد و این دو در نهاد اجتماعی خانواده تعریف می‌شوند. همچنین معمولاً بخشی از نیروی کار مورد نیاز کسب‌وکارهای خانوادگی توسط اعضای خانواده تأمین می‌شود. اندازه کسب‌وکارهای خانوادگی بستگی به دو عامل مالی توان برای سرمایه‌گذاری و توان مدیریتی برای اداره آن دارد. به عبارت دیگر کسب‌وکار خانوادگی به هیچ وجه محکوم به کوچک‌مقیاس نیست، بخش قابل توجهی از شرکت‌های عظیم در کشورهای صنعتی خانوادگی هستند اما حتی آنجا که کسب‌وکارهای خانوادگی خرد و کوچکند، از طریق

ادامه از صفحه یک

خلبان ایلوشین، قهرمان ملی

یکی از قهرمانان ملی این روزها خلبان ایلوشین ۷۶ بود که برای خاموش کردن آتش بندر و آتفاقی حریق، حدود ۲۰ پرواز انجام داد که برخی از آن‌ها به علت از دست ندادن زمان در شب اتفاق افتاد. فیلم‌های این خلبان شجاع برای این عملیات پرخطر تبدیل به یکی از پربازدیدهای رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی شد تا بار دیگر در دل حوادث کشور، قهرمانان ملی این‌طور سر بیرون بیاورند و افتخار آیز عمل کنند.

هلال احمر و آتش‌نشانی تا پای جان برای ایران

تصاویر مخاربه‌شده از آتفاقی حریق و رسیدگی به مجروحان حادثه و حضور پر قدرت نیروهای آتش‌نشانی و چهره‌های خسته و دود گرفته آن‌ها در دل حادثه بارها و بارها در رسانه‌ها منتشر شد و مردم نیز در تولیدات محتوایی‌شان از آن‌ها تشکر کردند. به گونه‌ای که برخی تصاویر تبدیل به پنه‌رها و پوسترهای افتخار آمیزی شدند که می‌توان آن‌ها را در آلبوم «غرور ملی ایرانیان» ثبت کرد.

وزیت رایگان پزشکان

بعد از حادثه تلخ بندرعباس، اصناف مختلف تلاش کردند هرکدام به نوبه خود، سهمی

سوگواری ممنوع!

ادامه از صفحه یک

برای مثال، میراث شاهنامه در ایران دارای ابعادی است که سوگ را شکل می‌دهد، اما سوگ شاهنامه فهم موقعیت ایران برای عبور از بحران است، یا در حماسه‌ای که در روز عاشورا شکل می‌گیرد، شهادت امام حسین درحالی‌که سوگ بزرگی است، اما هم‌زمان رنجی است که به رهایی و آینده‌رهایی ختم می‌شود و شکلی از خودآگاهی را شکل می‌دهد. در نتیجه وقتی حادثه بندرعباس به سوگواری تبدیل می‌شود، در واقع درست است که حادثه تلخ و ناگواری است و هموطنان خود را از دست داده‌ایم، اما این سوگواری نشان می‌دهد ملت ایران باز هم از این حادثه عبور می‌کند و تبدیل به یک درس تاریخی می‌شود برای آینده ایران و نخواهد گذاشت این حادثه تبدیل به غمی ساکن و انفعال جمعی و شکل‌گیری سوز سه‌س خوردگی شود. آنچه شبکه منو تو لازم دارد اتفاقاً

ادامه از صفحه یک

مقامات عالی‌رتبه آمریکا و مشخصاً رئیس‌جمهور آن هیچ‌گاه در هیچ واقعه غمبار ایرانیان بیانه همدلی و محکومیت ناده‌اند و تنها پس از حمله داعش به مساختمان مجلس شورای اسلامی، دوبتله ترامپ بیانی‌های داد که آن هم محکومیت ایران بود، نه داعش؛ چنانچه محمد مجواد طریف، وزیر خارجه وقت ایران هم مجبور به واکنش شد و آن بیانه را «نفرت‌انگیز» نامید و تأکید کرد مردم ایران این دوستی را با یاور نمی‌کنند. در تاریخ تعاملات سیاسی ایران با آمریکا و اروپا در هنگامه حوادث و حملات، از این نمونه‌های محکومیت و همدلی هر طر‌قه متعدد است و به رسم فایک نمونه‌خاص بود که نمی‌توان از آن برداشش سیاسی کرد، چه شاخه گل‌ها و شمع‌ها که برخی مقابل

مشکل شدن این کسب‌وکارها می‌توان به تعاونی‌ها و تشکل‌هایی مقیاس‌پذیر دست یافت. چنین تشکل‌هایی قادرند آن دسته از مسائل و چالش‌هایی که کسب‌وکارهای خرد، کوچک و متوسط به‌تنهایی نمی‌توانند آنها را حل کنند، در ساختار و مقیاس تشکل حل‌کنند. براین اساس تأکید می‌شود ویژگی ذاتی کسب‌وکار خانوادگی، انطباق نهاد اقتصادی تولید بر نهاد اجتماعی خانواده است که مزایای بسیار زیادی، هم برای اقتصاد و هم برای خانواده و جامعه دارد.

مزایای سرمایه‌گذاری برای تولید در کسب‌وکارهای خانوادگی

۱. **قابلیت جایگزینی سرمایه و نیروی کار**

در شرایط تور می تأمین معیشت و تراز کردن درآمدها و هزینه‌های خانواده مشکل است، چه رسد به پس انداز و صرف آن در سرمایه‌گذاری. اما بخشی از افرادی که توان سرمایه‌گذاری در سازوکارهای رایج سرمایه‌گذاری ندارند، در صورتی که کار و حرفه‌ای بلداند می‌توانند یک کسب‌وکار خانوادگی معمولاً کاربر راه‌اندازی کنند. در شرایطی که افراد نتوانند سرمایه لازم برای توسعه کسب‌وکارشان را تأمین کنند چه باید کرد؟ در بسیاری از کسب‌وکارها می‌توان کمبود سرمایه را با جایگزینی نیروی کار جبران کرد، یعنی می‌توانند به جای کسب‌وکاری سرمایه‌بر، کسب‌وکار را کاربر و براساس نیروی کار خانوادگی تعریف کنند. در چنین شرایطی انعطافی در ساختار هزینه‌های نیروی انسانی ایجاد می‌شود که بار مالی کسب‌وکار را به شکل معنی‌داری کاهش می‌دهد.

۲. **انعطاف در هزینه نیروی کار**

یکی از مهم‌ترین اقلام هزینه‌ای در اکثر کسب‌وکارها و به‌ویژه کسب‌وکارهای کاربر، هزینه نیروی انسانی است. این هزینه در شروع راه‌اندازی یک کسب‌وکار و تا پیش از سودآور شدن آن بسیار سنگین است. در حالی‌است که وقتی همه یا بخشی از نیروی کار یک کسب‌وکار از اعضاء خانواده باشند، با توجه به اینکه کل کار و تولید را از آن خود می‌دانند، لزوماً انتظار دریافت حقوق ماهانه ندارند و معمولاً حاضرند حق‌الزحمه خود را بعد از سودآور شدن کسب‌وکار دریافت کنند، حتی در برخی موارد، نیروی کار خانوادگی اساساً انتظار دریافت حق‌الزحمه مستقیم ندارند، زیرا می‌داند به‌هر حال رشد کسب‌وکار خانوادگی، در واقع سرمایه‌ای برای آینده شغلی و زندگی اوست. البته عدم دریافت حق‌الزحمه مستقیم به معنی استثمار نیروی کار خانوادگی نیست، بلکه در قریب به اتفاق این خانواده‌ها، حق‌الزحمه عملاً پس انداز و سرمایه‌گذاری و در مواقع مورد نیاز برای همان عضو خانواده هزینه می‌شود که ازجمله این موارد می‌توان به تأمین

مسکن، سرمایه و کسب‌وکار فرزندان پس از ازدواج اشاره کرد. البته بحث در مورد مزیت‌های نیروی کار خانوادگی به این معنی نیست که نیروی کار در این واحدهای تولیدی حتماً باید اعضای خانواده باشند. در واحد کسب‌وکار ممکن است علاوه بر نیروی کار خانوادگی نیازمند نیروی کار تمام‌وقت، فصلی یا روزمزد باشد و این امر منافاتی با خانوادگی بودن کسب‌وکار ندارد.

۳. **انعطاف ساختار مالی کسب‌وکار خانوادگی**

در کسب‌وکارهای خانوادگی، منابع مالی خانواده و سرمایه کسب‌وکار عملاً یکی می‌شوند، یعنی در آمد کسب‌وکار خانوادگی، در آمد خانواده است و پس انداز خانواده، یک محل اصلی تأمین سرمایه کسب‌وکار است. در چنین شرایطی، هزینه‌های جاری خانواده عملاً جزء هزینه‌های کسب‌وکار و عامل محدودکننده سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارند. نکته قابل توجه این است که معمولاً هزینه‌های عملیاتی واحد تولیدی (مواد اولیه، ابزار کار، نیروی کار و…) چندان قابل کاهش نیستند. اما بخشی

حادثهٔ بندرعباس در کنار غم بزرگی که به همراه داشت، دوباره «همدلی» را به «برند ملی» مهم ایران تبدیل کرد

همدلی برند ملی ایرانیان

از هزینه‌های خانواده که جزء هزینه‌های ضروری نیستند و جنبه رفاهی دارند، در تشکلهای اقتصادی در صورت لزوم قابل کاهشند. یکی از مزایای خانوادگی بودن کسب‌وکار این است که این کسب‌وکارها ساختار هزینه منعطفی دارند و در شرایط اضطرار، با کاهش هزینه‌های زندگی، عملاً هزینه‌های واحد تولیدی کاهش و در نتیجه تاب‌آوری کسب‌وکار افزایش می‌یابد.

۴. **بهره‌وری به واسطه کار را از خود دانستن**

در کسب‌وکارهای خانوادگی، اعضای خانواده کار را از آن خود می‌دانند و رشد کسب‌وکار را ضامن آینده شغلی خود می‌دانند. در نتیجه در مواجهه با پیچیدگی‌ها و سختی‌های کار، به دنبال‌شانه خالی کردن از کار نمی‌روند و در انجام کار از جان مایه می‌گذارند. اهمیت این امر زمانی واضح‌تر می‌شود که گاه کوچک‌ترین تعلل در برخی مشاغل حساس، برای مثال در حوزه کشاورزی، تمام یا اکثر درآمد را به باد می‌دهد. حتی اگر نیروی کار از خارج از خانواده باشد، صرف‌البته مدیریت کسب‌وکار با مالک آن است. کافی است تا دلسوزی کامل در کار باشد و آن بخش از بهره‌وری مدیریت که به دلسوزی برای کار مربوط می‌شود، در این حالت حداکثر باشد. هرچند واضح است که بهره‌وری صرفاً نتیجه دلسوزی نیست؛ بلکه ابعاد فنی و تخصصی نیز دارد که از این نظر کسب‌وکار خانوادگی تفاوتی با دیگر کسب‌وکارها ندارد.

۵. **کاهش تعارض‌های سازمانی**

کسب‌وکارها با هدف انتفاع اقتصادی ایجاد می‌شوند. لذا طبیعتاً ممکن است محل تعارض منافع اقتصادی ذی‌نفعان (مالکان، مدیران و کارکنان) باشند. یکی از مهم‌ترین وظایف مدیر کسب‌وکار، همسوسازی منافع ذی‌نفعان است؛ تا تمایل افراد به حداکثرسازی منافع شخصی، باعث لطمه‌زدن به منافع دیگر ذی‌نفعان نشود. در آنجا که معمولاً معمولاً محل بروز اوج از خودگذشتگی، مودت و رحمت افراد است، انطباق نهاد خانواده بر نهاد کسب‌وکار بر کاهش تعارضات در سازمان کسب‌وکار مؤثر است. البته منظور این نیست که این صفات در حدهای در همه خانواده‌ها وجود دارند. ولی می‌توان گفت هر کس به هر میزان از این صفات بهره‌مند باشد، معمولاً بیشترین بروز و ظهورشان در تعامل وی با اعضای خانواده مشاهده می‌شود.

۶. **افزایش انسجام خانواده**

از جمله مزایای تعریف شدن کسب‌وکار در ابعاد خانواده می‌توان به افزایش انسجام خانواده از طریق افزایش تعاملات و همبستگی‌ها اشاره کرد. در خانواده‌هایی که فرزندان و دیگر اعضای خانواده مشغل‌های متفاوت دارند، تنها عامل دور هم جمع کردن اعضای خانواده، پیوندهای خانوادگی است و عوامل شغلی کمکی به ارتقای انسجام خانوادهمی‌کنند. اما وقتی اعضای خانواده در یک کسب‌وکار هم‌کار و شریک باشند، علاوه بر پیوندهای عاطفی خانوادگی، تعاملات کاری روزانه و اشتراک منافع با یکدیگر دارند که به نوبه خود می‌تواند منجر به افزایش همبستگی اعضای خانواده شود.

۷. **تریت کسب‌وکاری فرزندان**

یکی از چالش‌های جوامع امروز، تربیت کسب‌وکاری فرزندان است. طولانی بودن دوره تحصیل فرزندان از تحصیلات ابتدایی تا تحصیلات تکمیلی دانشگاهی باعث می‌شود تجربه کار اقتصادی در بسیاری از افراد به سال‌ها بعد از شروع دوره جوانی موکول شود. همچنین تخصص گرایي گاه افراطی در سازمان‌ها باعث می‌شود کمتر کسی در سازمان‌های بزرگ به کل فرایند کسب‌وکار اشراف پیدا کند و معمولاً هر کس فقط بخشی از کار را بر عهده دارد. این گونه عوامل باعث می‌شود بسیاری از افراد کمتر فرصت یابند هوش اقتصادی خود را توسعه دهند. این در حالی است که خانواده‌هایی که یک کسب‌وکار خانوادگی دارند، فرزندان از همان دوره کودکی، چه و مراسم باشکوهی برای همسایه داغدار جنوبی خود گرفتند. دست آخر، برگزارکنندگان فستیوال کوچه با متنی زیبا خبر لغو مراسمی را که با حواشی و دست‌اندا‌زهای فراوان برگزار شده بود، اعلام کردند. در بخشی از این متن آمده‌است: «جنوب خونه‌ایه با به نخلی وسطش، به نگاری گوشش، به قایق کهنه‌ای گنجش، به اتاقی‌ش اهوازه، یکی‌ش بوشهر، به بزرگ و پهن و قشنگش بندرعباس، خونه‌ای که به چپش ش گریس، دیگه دست و نی و نای نداره.» اتفاقی که بسیار مورد توجه مردم قرار گرفت تا از این همدردی و احترام به غم هموطن، همه ایران به خود ببالد.

به ایران‌مان افتخار کنیم

بعد از راه افتدن جریان‌های همدلی مردم به‌اشکال مختلف توسط ایرانیان، بسیاری از چهره‌های شاخص و مشهور نیز تلاش کردند خودشان را به صفوف مردم، چه به شکل حضوری و چه به شکل مجازی، برسانند. بسیاری از چهره‌ها با انتشار تصاویری از همدلی و حضور مردم در صنف‌های اهدای خون یا آتش‌نشانیان و هلال‌احمری‌ها، در بطن حادثه نوشتند: «به ایران‌مان افتخار کنیم. ایرانی که در سه سال گذشته بارها مورد هجوم قرار گرفته بود و زندگی در آن همچنان توسط برخی چهره‌های از ایران رفته متعیر می‌شود. همین چندوقت پیش بود که یکی از مجریان خانم سابق تلویزیون که از نوجوانی در برنامه‌های تلویزیونی حضور داشت، فیلمی همراه با همسرش منتشر

را به نام وطن پرستی مطرح می‌کرد. امروز هم ممنوعیت‌های وسیعی را از طریق رسانه اعمال کند تا باعث شود اذهان در فانتزی‌های ساخته‌شده این شبکه ماندگار باشند. و در این موقعیت است که فرمان‌های اینجبینی را صادر می‌کنند به این معنا که جامعه حق سوگواری ندارد و روزگاری جامعه حتی حق خورد یک قهوه در کافی‌شاپ را نداشت؛ چرا که باعث عادی‌سازی می‌شد. امروز جامعه حق سوگواری ندارد و قطعاً فردا حق حیات! این دستور‌ها در حالی صادر می‌شود که این افکار قدرتی در دست ندارند و اگر توان قدرتی داشتند، قطعاً وضعیت بدتر و ترسناک‌تری را اعمال می‌کردند. اما نکته مهم درباره چنین دستوراتی به جامعه که شاید کمتر به آن توجه می‌شود، این مسئله است که طرح اپوزیسیون ایران پیش از آنکه طرحی ساده باشد، دارای ابعاد روانی وسیعی است و به طور مشخص نشان از طرحی بلندمدت برای تاریخ‌زدایی و ایران‌زدایی دارد که

آمریکایی‌ها، نشان می‌دهد که آن‌ها حتی برای حفظ ظاهر دیپلماتیک و انسانی هم علاقه ندارند وارد فضای دیپلماسی در بحران‌ها شوند. از او‌پا هم که جز یکی دو سفر تفریحانه، پیامی نرسیده است. حال اگر از انگشت یک تروریست یا اهل آشوب در ایران خونی بریزد یا قاتلی اعدام شود، هم غریبه‌ها برای بیبانه و واکنش صنف می‌کشند و نامش را هم دلسوزی برای مردم ایران می‌گذارند.

موضوعی به اعتنایی به غم مردم ایران در ندانن پیام تسلیت و همدلی خلاصه نمی‌شود و اگر به موضوع تحریم‌های غرب علیه ایران توجه کنیم، عمق جامعه‌ای‌روشن می‌شود که به‌ود نبود دوخت تسلیت یا کلاماً بی‌اهمیت می‌کند. مسئولان سازمان‌های امدادی و ایران بارها تأکید کرده‌اند که به دلیل وجود تحریم‌ها امکان به‌روزرسانی و تأمین کامل

از طریق مشارکت در انجام کار و چه حتی صرفاً از طریق مشاهده، بسیاری از ابعاد کسب‌وکار همچون مهارت‌های فنی، مهارت‌های مذاکره و معامله، حساب‌وکتاب مالی، سختکوشی و انعطاف در کار جمعی را تجربه می‌کنند.

۸. **رشد خانواده محور**

به نظر می‌رسد خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که می‌توان برای «رشد» آن طراحی کرد. به عبارت دیگر، به جای اینکه طراحی‌های ناظر به «رشد» و تعالی برای «افراد» انجام شوند، باید برای «خانواده‌ها» صورت گیرند. یعنی انسان از مسیر خانواده و از دل آن است که رشد می‌یابد و به فلاح و رستگاری می‌رسد. بر این اساس به نظر می‌رسد همراستایی نهاد اقتصادی کسب‌وکار با نهاد اجتماعی خانواده، در صورت رعایت دیگر لوازم آن، می‌تواند منجر به هم‌افزایی در دستیابی به رشد و تعالی فرد، خانواده و جامعه شود.

۹. **عدالت اقتصادی**

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های عدالت اقتصادی، توزیع متوازن و متعادل ثروت در جامعه است. چنانچه ساختار اقتصاد ملی به سمت توسعه شرکت‌ها و سازمان‌های عظیم حرکت کند و اکثر افراد جامعه کارکنان و حقوق‌بگیران این گونه س‌سازمان‌ها باشند، به تدریج ثروت در دست بخشی محدود از جامعه که مالکان اصلی این گونه شرکت‌ها هستند، انباشته می‌شود و درآمد سایر افراد جامعه، عمدتاً از طریق عرضه نیروی کارشان تأمین می‌شود. اما در شرایطی که بخش قابل توجهی از خانواده‌ها مالک کسب‌وکار خوش باشند، از همه منافع تولید بهره‌مند می‌شوند. چنین خانواده‌هایی با توجه به اینکه معمولاً مالک زمین، سرمایه و ابزار کار کسب‌وکار خوش‌اند، ارزش دارایی‌هایشان در شرایط تورمی حفظ می‌شود. در حالی که درآمد کارکنان حقوق‌بگیر معمولاً به اندازه تورم رشد نمی‌کند و از تورم عقب می‌ماند. پس به نظر می‌رسد در صورت حمایت نظام اقتصادی از هدایت سرمایه‌گذاری‌ها به سمت کسب‌وکارهای خانوادگی، توزیع ثروت در جامعه متعادل‌تر می‌شود.

جمع‌بندی

نوشتار حاضر در پی تبیین ضرورت توجه به جایگاه کسب‌وکارهای خانوادگی در اقتصاد و هدایت سرمایه به سمت تولید در این گونه کسب‌وکارها بود. واضح است که لازمه حرکت سرمایه به سمت تولید مستلزم اصلاح ساختار اقتصاد است؛ به گونه‌ای که کسب منفعت صرفاً از طریق ایجاد تولید کالا‌ها و خدمات مفید و ارزش افزوده واقعی میسر گردد و این امر عمدتاً وظیفه دولت و دستگاه‌های سیاست‌گذار، تنظیم‌گر و ناظر است. اما هم‌زمان و موازی این امر، باید به نظامی از تولید اندیشید که هدایت سرمایه به سمت آن منجر به عادلانه‌تر شدن اقتصاد شود. به نظر می‌رسد کسب‌وکارهای خانوادگی در چنین اقتصادی جایگاه قابل توجهی دارند. البته واضح است که ساختار یک اقتصاد پویا، عادلانه و مقاوم، متناسب با اقتضات درونی و بیرونی آن اقتصاد، باید ترکیبی همگن از انزاعی از نظام‌های تولید باشد. پس این نوشتار مدعی نیست که همه اقتصاد باید توسط کسب‌وکارهای خانوادگی اداره شود. بلکه ادعای این است که جایگاه نهاد اجتماعی خانواده در نهاد اقتصادی کسب‌وکار مغفول واقع شده است. به نظر می‌رسد دستگاه سیاست‌گذاری اقتصادی ما به نظام تولید خانواده‌محور کمتر توجه کرده و سیاست‌ها و حمایت‌ها را کمتر متناسب با آن طراحی کرده است. پس در صورتی که بازیگران خانواده ملی، به‌ویژه سیاست‌گذاران و مردم، بیش از پیش به کسب‌وکارهای خانوادگی توجه کنند، «سرمایه‌گذاری برای تولید» برای اکثر «مردم» شدنی‌تر خواهد بود.

کرد که درصد احتمال تولد یک انسان در ایران را یک درصد حساب کرد و با تمسخر می‌گفت ۸۰ میلیون ایرانی چقدر بدشانس بوده‌اند که جزء این یک درصد شده‌اند. اما تصاویر بی‌نظیر همدلی و همراهی ایرانیان در این غم و مسرگ ملی، بار دیگر چهره افتخار آمیزی از ایرانی بودن و زندگی در ایران را به نمایش گذاشت.»

با این ظرفیت باید چه کار کرد؟

همواره چنین حوادثی برای ما یادآور می‌شود که ایرانیان با وجود تلاش‌های مکرر رسانه‌های خارجی برای ایجاد تفرقه و جدایی، در حوادث ملی خود دوشادوش هم قرار گرفتند و به داد یکدیگر رسیدند.اند. تجلی این همدلی را می‌توان در روزهایی که بخشی از ایران به یاری بخش‌های دیگر نیاز دارد، به خوبی مشاهده کرد. ظرفیتی که به نظر می‌رسد دُرّ نایابی است که در کمتر کشوری حضور دارد و می‌توان این حجم از همدلی را از برندهای ملی ایرانیان به جهان معرفی کرد. آنچه وظیفه مدیران رسانه‌ای و فرهنگی کشور در این مقاطع است، همین که باید برای ثبت، تقویت و مخایره این برند ملی از شمنده قدم‌های ویژه‌ای بردارند. همدلی‌ای که روزی طایر بلای کشور دوست و مسلمان منطقه‌ای سوزوروزی «خون» برای هموطن داغدار جنوبی، یکی از وظایف مهم رسانه‌های کشور در حوزه بین الملل همین تقویت برند ملی کشور است. به خصوص در روزهایی که دشمنان ایران با زبان فارسی به غم ایرانیان در برنامه‌هایشان می‌خندند.

نقشه دقیق اتاق عملیات طرف غربی و عبری است. به نوعی ایده‌ای را دنبال می‌کنند که از طرفی تبلیغ زندگی عادی است و از طرفی عادی زیستن را یابند و تصویرهایی همراه می‌کنند که تولیدکننده آیه‌ای است که جامعه و امنیت روانی جامعه را دچار تضاد می‌کند و زمینه فکری نوعی بی‌بست‌را طرح‌ریزی می‌کند که در لحظه بحران‌ها به جای تأمل در شکل‌گیری مجدد وضعیت مطلوب، به سمت نوعی خشونت حرکت کند. خشونت سال ۱۴۰۱ نشان از همین طرح بود که این دستور‌ها قصد دارد اذهان را نه به سمت ملی‌اندیشی، بلکه به سمت نوعی خشونت کور هدایت کند که در پس این خشونت طرح‌های فشار به داخل را بتواند شکل دهد. در واقع منو تو خط مقدم جنگ علیه ایران است اما امتیازگیری در میدان و دیپلماسی و این یعنی این دستورات را نباید صرفاً نمایش قلندار کرد و به شدت باید از منظر فرهنگی با آن مقابله کرد.

تجهیزات مورد نیاز را ندارند. ایران حتی بارها درخواست کرده است تجهیزات امداد و نجات از تحریم مستثنی شود، اما نیاز مردم ایران برای غمی‌ها مهم نیست، چنانچه بعضاً نرسیدن تجهیزات در مانی و بیمارستانی به دلیل تحریم‌ها، در بیماری‌ری مردم افزون کرد. لذا اگر پیامی هم می‌رسید، لابد یقو جریان سیاسی حامی دولت را برمی‌انگیخت، اما هیچ چیز مستند مردم ایران را نمی‌گرفت و سهم این ملت مهمتجان تحریم بود و تحریم و تحریم، این جریان البته اکنون علاقه ندارد همانند حضور آمریکایی‌ها دریم، از این پیام‌های ارسال‌نشده تحلیل سیاسی در بیابود، اما باید این درس و عبرت برای دولت‌مردان باشد که دنیای غرب، دیپلماسی انسبایت را نمی‌فهمد و نباید از بودشان دلخوش و از نبودشان غمگین شد.